سردار فتوحی نفر سمت چپ در کنار شهید مهدی زین‌الدین

گفت‌وگوی «جوان» با نویسنده کتاب «تاریخ شفاهی سردار احمد فتوحی» پیرامون نقش بسیج در لشکر علی‌بن ابیطالب(ع)

او با تفنگ چوبی به نیروهای مردمی آموزش می‌داد

اصغر فالوده فروش یک بسیجی بود که تا خط مقدم می‌رفت به رزمنده‌ها فالوده خنک می‌داد

■ علیرضا محمدی

یحیی نیازی نویسنده کتاب «روایت احمد فتوحی از بسیج در لشکر علی بن ابیطالب(ع)» می‌گوید وقتی قرار شد تاریخ شفاهی سردار فتوحی را به نگارش درآوریم، او به این شرط راضی به گفت‌وگو شد که صرفاً از نقش نیروهای بسیج در این لشکر و همچنین پشتیبانی از جبهه‌های دفاع مقدس از سوی نیروهای مردمی سخن گفته شود. فتوحی که پیش از شروع جنگ تحمیلی با تفنگ‌های چوبی به آموزش نیروهای مردمی می‌پرداخت، خاطرات بسیاری از حضور بسیجی‌ها در جنگ دارد که به طور تفصیلی خاطراتش را در کتاب روایت خود بیان داشته است. در واقع بسیج در طول دوران دفاع مقدس، نقش بی‌بدیلی در جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها ایفا کرده است. نقش بسیج در دفاع مقدس را چه در یک لشکر خاص یا در کلیت جنگ، نمی‌توان با هیچ نیروی دیگری مقایسه کرد. به مناسبت پنجم آذرماه و سالروز تشکیل بسیج مستضعفین، به سراغ یحیی نیازی نویسنده کتاب «نقش بسیج در لشکر علی بن ابیطالب به روایت سردار احمد فتوحی» رفتیم تا ببینیم نیروهای مردمی چطور از جبهه‌های دفاع مقدس حمایت و پشتیبانی می‌کردند.

مجموعه تاریخ شفاهی جنگ به روایت فرماندهان، مدت‌هاست از سوی مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس منتشر می‌شود. چطور شد تاریخ شفاهی سردار فتوحی به نقش بسیج اختصاص داده شد؟

سال ۹۳ که قرار شد سراغ سردار فتوحی برویم، در قم یک جلسه خدمت ایشان رسیدیم. همانجا بحث کتاب مطرح شد و ایشان گفتند به شرطی حاضر به بیان خاطرات‌شان هستند که صرفاً از نقش بسیج در لشکر ۱۷ علی بن ابیطالب(ع) گفته شود و به خود ایشان پرداخته نشود. ما هم پذیرفتیم و از هفتم دی ۹۳ تا آذر ۱۳۹۵ در ۱۸ جلسه خاطرات ایشان ضبط و سپس پیاده‌سازی، تنظیم و سال ۱۴۰۰ منتشر شد. بخش اعظم این کتاب در خصوص نقش بسیج است و در کنارش هم به عملیات لشکر ۱۷ پرداخته شده است.

گویا سردار فتوحی چندین سال جانشین لشکر ۱۷ علی بن ابیطالب(ع) بودند. برای آشنایی بیشتر خوانندگان، لطفاً ایشان را بیشتر معرفی کنید.

از زمانی که شهید مهدی زین الدین فرماندهی تیپ علی بن‌ابیطالب(ع) را برعهده می‌گیرد، آقای فتوحی جانشین فرماندهی این تیپ می‌شود. (تیپ علی بن ابیطالب بعدها تبدیل به لشکر شد). سال ۱۳۶۳ آقا مهدی زین‌الدین همراه برادرش مجید به شهادت می‌رسند و سردار غلامرضا جعفری فرمانده لشکر علی بن ابیطالب(ع) می‌شود. در این زمان همچنان سردار فتوحی سمت جانشینی لشکر را برعهده داشت و تا پایان دفاع مقدس نیز در همین سمت خدمت کرد. در واقع آقای فتوحی یکی از فرماندهان و ارکان اصلی لشکر علی بن ابیطالب(ع) در طول دفاع مقدس بود. قبل از شروع جنگ هم فتوحی در زمان حضور حضرت امام در قم، محافظت از امام در فیضیه و سپس بیت دیگری را که ایشان نقل مکان کرده بودند برعهده داشت. بعد از رفتن امام به تهران، فتوحی به جبهه کردستان رفت و در آزادسازی شهر سنندج در کنار بزرگانی چون شهید بروجردی و سردار صفوی حضور پیدا کرد. یک نکته را هم عرض کنم که با شروع جنگ تحمیلی، فتوحی اولین گروه منظم از رزمندگان قمی را روز ۲۳ مهر ۱۳۵۹ به دارخوین برد. این گروه ۱۱۰ نفره به خط شیر رفتند و آنجا در عملیاتی مثل فرمانده کل قوا و.. شرکت کردند.

به نظر می‌رسد رابطه راوی کتاب با بسیجی‌ها آن قدر صمیمی بود که تصمیم می‌گیرد تاریخ شفاهی خودش را به نیروهای داوطلب مردمی اختصاص دهد؟

سردار فتوحی یک روحیه بسیار خاکی و رفتار بسیار صمیمی با رزمندگان، خصوصاً نیروهای بسیجی داشته و دارد. این رابطه قلبی دو طرفه است و بسیجی‌های لشکر هم ایشان را بسیار دوست دارند. بعد از پیروزی انقلاب و قبل از اینکه سپاه تشکیل شود، چون فتوحی خدمت سربازی رفته بود، همزمان که در کمیته حضور داشت، به آموزش نیروهای انقلابی هم می‌پرداخت. در خاطرات ایشان آمده که چون در قم سلاح کافی برای تعداد نفرات آموزشی وجود نداشت، به نجاری‌های قم سفارش ساخت تفنگ‌های چوبی به شکل و اندازه تفنگ‌های واقعی داده می‌شود تا آموزشی‌ها با استفاده از این سلاح‌های چوبی، نکات آموزشی را یاد بگیرند. از همان زمان ارتباط آقای فتوحی با نیروهای مردمی محکم بود و بعدها با شروع جنگ و حضور در لشکر علی بن ابیطالب(ع) این ارتباط بیشتر شد.

گفت‌وگوی ما به مناسبت پنجم آذر و سالروز تشکیل بسیج انجام می‌شود. در کتاب به چه جلوه‌هایی از حضور و نقش بسیجی‌ها در جبهه‌های دفاع مقدس پرداخته شده است؟

اگر بخواهم تیتروار اشاره کنم در این کتاب به نقش نیروهای مردمی و بسیج در آمادگی رزم، توسعه ساختار و سازمان رزم سپاه، تکلیف مداری بسیجی‌ها، طلایه‌داری آنها در خط شکنی‌ها، ابتکارات و خلاقیت بسیجی‌ها در لشکر علی‌بن ابیطالب(ع) و جبهه‌های جنگ پرداخته شده است. برای هر بخش هم موارد مصداقی ذکر شده است؛ مثلاً در عنوان «بسیج و خلق حماسه در شرایط سخت» به عملیات رمضان یا والفجرمقدماتی و... اشاره می‌شود و راوی بیان می‌کند که بسیجی‌ها به عنوان یک نیروی مردمی چه سختی‌هایی را تحمل کرده‌اند. در جایی از کتاب می‌گوید: «نی‌های شکسته لباس غواصی را پاره می‌کرد و ما یک بسیجی را از شهر یا روستا وارد چنین نبردی کرده بودیم. آیا او با علم نظامی وارد شده بود؟ آیا اصلاً چنین رفتارهایی با علم نظامی می‌خواند؟ اینها مصداق‌های بارز مقاومت بسیج در عرصه نبرد است که نباید از آنها غافل شویم.» یا در جای دیگری از کتاب بیان شده است: «برای شکستن خط دشمن گردان ویژه درست می‌کردیم. گردان‌هایی مثل حضرت رسول(ص) یا گردان کوثر که در سخت‌ترین شرایط و سردترین آب و هوا در باتلاق‌های تالاب شادگان آموزش می‌دیدند و سپس در نیزارهای جزایر مجنون توانستند خط دشمن را بشکنند.»

کدام بخش از کتاب برای خود شما که نویسنده اثر هستید، جذاب‌تر بود؟

نقش مردم و بسیج در پشتیبانی از جنگ جنبه‌های مختلفی داشت. هر کس از هر تخصص و تجربه‌ای که برخوردار بود برای کمک به جبهه‌ها استفاده می‌کرد. به عنوان مثال در کتاب آمده که در مقطعی با تعداد زیادی خودروهای آسیب دیده روبه‌رو شدیم. تعداد قابل توجهی از بسیجی‌ها که مکانیکی بلد بودند، آمدند یک سوله بزرگ تحت عنوان «واحد بازسازی ماشین آلات» راه انداختند و کمک زیادی برای تعمیر این ماشین‌های آسیب دیده کردند. اگر کمک بسیجی‌ها نبود، در خیلی از موارد کار جنگ لنگ می‌ماند. یا فالوده‌فروش‌های قم یک گروه بسیجی تشکیل داده بودند و در خط مقدم به رزمنده‌ها فالوده می‌رساندند. «اصغر فالوده فروش» و «ابوالفضل مرگ بر شاه» دو نمونه از نیروهای مردمی بودند که در پشتیبانی از جبهه‌ها بسیار فعالیت داشتند. ابوالفضل در دوران انقلاب روی اتومبیل‌ها می‌رفت و زیاد شعار مرگ بر شاه می‌داد. به همین دلیل به او ابوالفضل مرگ بر شاه می‌گفتند. اصغر هم فالوده فروش سرشناسی در قم بود. طبق گفته‌های راوی کتاب، اصغر فالوده‌فروش یک‌بار دیگ بزرگی از فالوده را به منطقه می‌آورد و می‌گوید می‌خواهم اینها را به رزمنده‌های خط مقدم برسانم. به او می‌گویند جلوتر بروی خطرناک است، اما اصغر و همراهانش می‌روند و ۱۰ دقیقه بعد در حالی که کلی فالوده روی سر و صورت‌شان پاشیده شده بود برمی‌گردند. می‌پرسند چه بر سرتان آمده که می‌گویند یک گلوله خمپاره درست به دیگ فالوده خورد و همه محتویاتش روی ما پاشید... از این دست ماجراها و روایت‌ها در کتاب بسیار وجود دارد.

> سال ۹۳ که قرار شد سراغ سردار فتوحی برویم، در قم یک جلسه خدمت ایشان رسیدیم. همانجا بحث کتاب مطرح شد و ایشان گفتند به شرطی حاضر به بیان خاطرات‌شان هستند که صرفاً از نقش بسیج در لشکر ۱۷ علی بن ابیطالب(ع) گفته شود

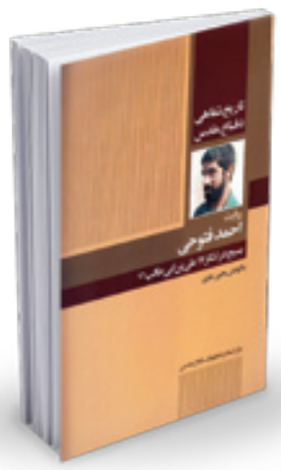

> «اصغر فالوده فروش» و «ابوالفضل مرگ بر شاه» دو نمونه از نیروهای مردمی بودند که در پشتیبانی از جبهه‌ها بسیار فعالیت داشتند. ابوالفضل در دوران انقلاب روی اتومبیل‌ها می‌رفت و زیاد شعار مرگ بر شاه می‌داد. به همین دلیل به او ابوالفضل مرگ بر شاه می‌گفتند

اتفاقاً اینطور موارد مصداقی در خصوص نقش نیروهای مردمی و بسیج در جبهه‌ها برای خواننده جذاب‌تر است، شهر قم حرکت خاص و تأثیرگذاری در پشتیبانی از جبهه‌های جنگ داشت؟

به طور کلی که قم چه در انقلاب و چه در وقایع تاریخی دیگر همیشه پیشقدم بود. در دفاع مقدس هم پشتیبانی مردم قم از جبهه بسیار پررنگ بود، اما اگر منظور شما این است که یک حرکت خاص و ویژه را نام ببرم، در کتاب آمده که در سال ۶۲ یا ۶۳ (الان خوب حضور ذهن ندارم) بازاری‌ها و اصناف قم تصمیم می‌گیرند هزینه سه روز کل جنگ را پرداخت کنند. یعنی آن سه روز تمام هزینه‌های جنگ در جبهه‌های مختلف را قم برعهده بگیرد. این یک حرکت نمادین بود تا دیگر شهرها و استان‌ها برای پشتیبانی بیشتر از جبهه‌ها بیش از پیش تشویق شوند. به همین منظور ستادی تشکیل می‌شود به نام «ستاد تأمین سه روز هزینه‌های جنگ» بعد هم بازاری‌ها، اصناف و خود مردم، منابع مالی و هزینه‌های لازم را تهیه می‌کنند.

گویا خود شما رزمنده همین لشکر علی‌بن‌ابیطالب(ع) بودید؟

من در ۱۷ سالگی رزمنده این لشکر بودم و مدتی هم بیسیمچی شهید زین‌الدین، خود آقای فتوحی و سردار جعفری بودم.

پس راوی کتاب را از قبل می‌شناختید؟

بله، آقای فتوحی یک چهره و شخصیت بسیار محبوب در میان بچه‌های رزمنده لشکر بود. نیروهای پاسدار یا بسیجی او را خیلی دوست داشتند. ما غالباً یک روحیه بسیجی در میان فرماندهان می‌دیدیم و آقای فتوحی هم از این حیث بسیار خاکی و صمیمی بود.

در کتاب به نقش بسیجی‌ها در لشکر علی‌بن‌ابیطالب(ع) و به نوعی در کلیت دفاع مقدس پرداخته شده است، اما خود آقای فتوحی و فرماندهانی از این دست هم در جذب نیروهای بسیجی به جبهه تأثیرگذار بودند؟

اینطور سؤال شما را پاسخ دهم که نیروی بسیجی با سرباز یا کسی که وظیفه رسمی برای حضور در یک یگان دارد، متفاوت است. بسیجی داوطلب بود و جذب نیروی داوطلب صرفاً از کسانی برمی‌آمد که بین مردم مقبولیت داشتند. زمان جنگ از فرماندهان لشکر گرفته تا فرماندهان گردان، گروهان و... به مناطق مختلف می‌رفتند و در خصوص نیاز جبهه‌ها صحبت می‌کردند. در همین جلسات سخنرانی نیروهایی به سوی جبهه جذب می‌شدند. خود آقای فتوحی به دلیل مقبولیت زیادی که بین مردم داشت، در جذب بسیجی‌ها به جبهه نقش عمده‌ای ایفا می‌کرد. همان طور که عرض کردم یک رابطه دوسویه بین ایشان و رزمندگان بسیجی وجود داشت.

به نظر شما خواندن این کتاب می‌تواند روی نظر یک جوان نسل کنونی نسبت به نقش و حضور بسیجی‌ها در جبهه‌های دفاع مقدس تأثیرگذار باشد؟

به نظر من نه تنها می‌تواند تأثیرگذار باشد بلکه می‌تواند به شبهات زیادی نیز در این خصوص پاسخ دهد. مثلاً در خصوص حضور نیروهای نوجوان و کم سن بسیجی در جبهه‌ها، گاهی شبهاتی مطرح می‌شود. در کتاب می‌خوانیم که چطور یک نوجوان با چه مشقاتی خود را به جبهه می‌رساند و بعد استمرار حضور می‌یافت. یعنی نه یک بار که دفعات مختلف به جبهه اعزام می‌شد. در جبهه هم دعوا سر این بود که چه کسی به عملیات برود. یعنی با هم رقابت می‌کردند تا به عملیات و دل خطر بروند، نه اینکه از عملیات فرار کنند. همه اینها موارد مصداقی بسیاری دارد. به نظر من ماهیت بسیج به عنوان یک نیروی داوطلب باید به خوبی و با اسناد و مدارک به نسل‌های بعدی کشورمان انتقال پیدا کند. بسیجی به اراده و خواست خودش قدم برمی‌داشت و همین روحیه حضور داوطلبانه باعث می‌شد در کنار کثرت حضور بسیجی‌ها، کیفیت این حضور نیز مهم و تأثیرگذار باشد.

اگر می‌شود در میان شهدای بسیجی لشکر علی بن ابیطالب(ع) یک بسیجی شاخص معرفی کنید.

شهید محمود اخلاقی معلم ریاضی اهل سمنان بود که به عنوان یک رزمنده بسیجی تا فرماندهی یکی از تیپ‌های لشکر علی بن ابیطالب(ع) و همین طور فرماندهی عملیات این لشکر نائل آمد. اخلاقی پاسدار نبود، یک نیروی مردمی یا همان بسیجی بود که به جبهه‌ها آمد و بر اثر استمرار حضور و توانایی‌هایی که داشت، تا حد فرماندهی عملیات لشکر علی بن ابیطالب پیش رفت. این شهید بزرگوار از دوستان و همرزمان سردار فتوحی بود که در این کتاب از او یاد شده است. محمود اخلاقی در عملیات مرصاد به شهادت رسید.

نمای نزدیک

معلم بسیجی که فرمانده تیپ شد

بسیجی شهید محمود اخلاقی از فرماندهان لشکر ۱۷ علی‌بن ابیطالب (ع)

شهید محمود اخلاقی در سال ۱۳۳۵ در شهر سمنان متولد شد. در کار کشاورزی به پدر و در کارهای منزل به مادر کمک می‌کرد. پس از اخذ دیپلم توانست در رشته طراحی در دانشگاه سمنان به مدرک فوق دیپلم دست یابد و با لطافت روحی خود در روستای چاشم به شغل معلمی مشغول شود. وی در سال ۱۳۵۹ ازدواج کرد که حاصل این پیوند، دو پسر و یک دختر بود و سپس با شروع جنگ به جبهه رفت. در نگاه و کردار او عشق و ارادت به امام خمینی (ره) موج می‌زد. حتی در وصیتنامه‌اش از دوستان و آشنایان خواسته بود فرمان امام خمینی (ره) را با دل و جان ارج نهند و گوش به فرمان او باشند. ارتفاعات قلاویزان و مقر دهکده چنگوله در مهران شاهد دلاوری‌های فرمانده گردان موسی بن جعفر (ع) بود. به دلیل مدیریت خوب و لیاقت، از فرماندهی گردان تا فرماندهی تیپ یک لشکر علی بن ابیطالب را عهده‌دار شد. تعدادی از دانش‌آموزان حاج محمود در گردان او بودند. او در خط هم برای آنان کلاس درس تشکیل می‌داد. کارکشتگی و استعداد او در امور نظامی سرآمد بود. در عملیات «کربلای یک»، وقتی یکی از چشم‌هایش را خالصانه تقدیم درگاه دوست کرد، ذکر یا مهدی (عج) بر لبانش جاری بود. در عملیات «بدر» نیز از ناحیه پا مجروح شد، اما حاضر به ترک منطقه نشد. او در عملیات‌های بستان و «کربلای ۵» هم مجروح شد. سرانجام ۷ مرداد ۱۳۶۷ در چهارمین روز عملیات مرصاد، حاج محمود به شهادت رسید.

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۹۰۷

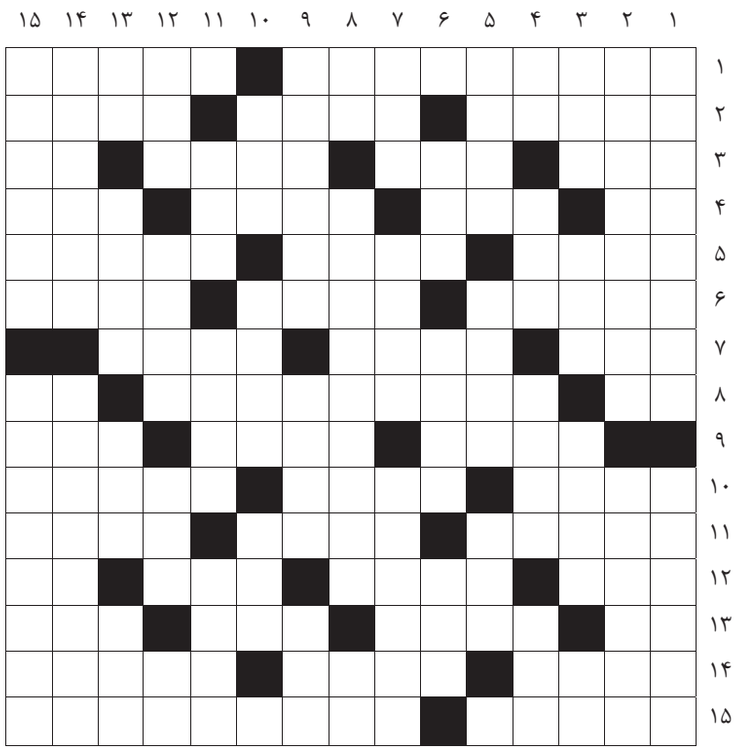

از راست به چپ

■ ۱- رشد غیرعادی استخوان‌های بدن به جهت ترشح بیش از حد یکی از هورمون‌های غده هیپوفیز- دام و تله ■ ۲- پرنده ترازونشین- شتر تندرو- اسب باری ■ ۳- بندگاه میان ساعد و بازو- برف آذری- تیغه ماه- اتاقک کشتی ■ ۴- تکرار الفبای خوردنی- زه کمان- پیک کاغذی- وسنی ■ ۵- پول بنگلادش- استخوان نازک روی سر انگشتان- شهر مقدس بوداییان ■ ۶- صندلی دندانپزشکی- پیامبری ملقب به کلیم‌الله- فیلسوف فرانسوی صاحب اثر کاندید ■ ۷- مخترع ماشین‌بخار- لشکریان- لقب شاهان ساسانی ■ ۸- برج کج- آنکه باعث رهایی کسی از غم یا گرفتاری می‌شود- کافی ■ ۹- ابریشم- جایز و حلال- فراموشی ■ ۱۰- محتوا و دربرگیرنده- پاک- دهکده ■ ۱۱- مادر ماندانا- رمان ماکسیم گورکی- خراب و فاسد ■ ۱۲- تفریح کودکانه- سعی- ماه- مغرور ■ ۱۳- تکرار حرفی- پول آذربایجان و ترکمنستان- جامه کهنه- گریه کردن ■ ۱۴- اینجا و اکنون- آتشدان- به دست آوردن ■ ۱۵- برنج پوست نکنده- نخست وزیر ترور شده لبنان

از بالا به پایین

■ ۱- نمونه رایگان کالا- تبریک گفتن ■ ۲- کاروان شادی- سردسیرترین استان ایران ■ ۳- در گرو گذاشتن- لقب اروپایی- آهن ترکی- دختر لر ■ ۴- او- نوشیدنی داغ- فدراسیون جهانی کشتی- شهری در خراسان قدیم ■ ۵- آتش‌دان و مجمر- تجربه نشده- بدبو ■ ۶- فلز ساختمانی- شادابی- خانه سنگ‌پشت ■ ۷- ارسباران قدیم- لانه عقاب- غیرحرفه‌ای ■ ۸- قدم یک‌پا- از نام‌های مستعار دهخدا- تاقچه بالا ■ ۹- نام کپلر، ستاره‌شناس معروف آلمانی- جنگ- صفت سرو ■ ۱۰- خوب و خوش- به طور کامل- عدد و شماره ■ ۱۱- بچه سربه‌راه- جادوگر- کشتیبان ■ ۱۲- طایفه و عشیره- صدای نوشیدن آب- نماز یک رکعتی- آزاده کربلا ■ ۱۳- نت میانی- ستاره دنباله‌دار- خویشاوندی- پاک از هر چیزی ■ ۱۴- جزیره- طلبکار ■ ۱۵- لباس تازه پوشیده- گونه‌ای نمایش سنتی

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

						۳	۸	
	۱	۲						
			۴		۵		۶	
		۴		۲				۶
۲							۹	۸
۳	۷			۶				
		۱	۸		۲			
						۴	۵	
		۶	۳		۱	۸		

۶	۹	۷	۱	۹	۹	۵	۲	۸
۱	۲	۹	۵	۶	۸	۹	۹	۷
۹	۸	۵	۹	۲	۷	۱	۶	۹
۹	۱	۹	۷	۵	۲	۶	۸	۹
۷	۶	۸	۹	۹	۱	۲	۵	۹
۵	۹	۲	۶	۸	۹	۷	۱	۹
۹	۹	۱	۲	۸	۶	۵	۷	۹
۸	۵	۶	۷	۹	۱	۹	۹	۲
۲	۷	۹	۶	۱	۹	۸	۹	۵

جدول کلمات متقاطع
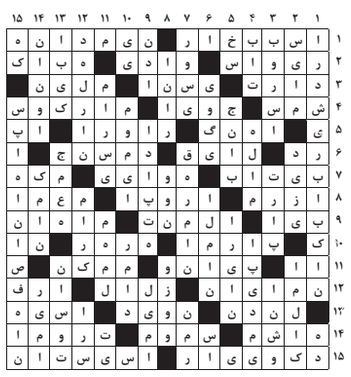
پاسخ جدول شماره ۶۹۰۶